

مقدمه:

یکی از بحث‌هایی که از دیرباز در جوامع اروپایی و آسیایی، مطرح بوده و تاریخچه‌ی آن به سالیان دور رو درازی باز می‌گردد. بحث ریشه دار لواط است. مبحث لواط در فقه اسلامی نیز، سابقه‌ی طولانی داشته و در بازده‌ی زمانی متفاوت و پیوسته‌ای، بارها و بارها به آن پرداخته شده است. اگر بخواهیم لواط را از نظر واژه شناسی بررسی کنیم. در واقع واژه‌ی لواط از ریشه "لوط" گرفته شده، "لوط" نام پیامبری در قوم "سدوم" بوده است که مردم آن سرزمین را از عمل شنیع لواط باز می‌داشتند و در قرآن هفده مرتبه از این پیامبر یاد شده است. در بیان، قبح و زشتی این عمل نیز در قرآن بیان شده است. "آیا در میان جهانیان شما به سراغ جنس مرد می‌روید و همسرانی را که خدا برای شما آفریده است رها می‌کنید؟! شما قوم تجاوزگری هستید".

آیه‌ی ۱۶۵ سوره‌ی شعراء

آیا شما از میان جهانیان با مردان آمیزش می‌کنید؟!!

و آیه‌ی ۱۶۶ سوره‌ی شعراء

و آنچه را پروردگارتان برای شما از همسرانتان آفریده رها می‌کنید؟ برای این کار زشت بی سابقه، دلیل و برهان استواری ندارید بلکه شما گروهی تجاوزکار از حدود خدا و مرزهای انسانیت هستید.

بیان مفهوم لواط :

۱- لواط به بیان ساده :

اگر بخواهیم به زبان و بیان ساده تری به توضیح این واژه قبل از بیان معنای حقوقی آن بپردازیم در واقع باید گفت "به آمیزش (رابطه‌ی جنسی) مرد با مرد، لواط می‌گویند." یعنی اگر دو هم جنس برخلاف عرف و قانون با یکدیگر وارد رابطه شوند مرتکب جرم لواط شده اند.

۲- لواط از منظر و دیدگاه حقوقی:

چنانچه بخواهیم واژه‌ی لواط را از منظر حقوقی آن تعریف و بررسی کنیم. برای شروع باید به ماده‌ی ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی، استناد کنیم. طبق تعریف این ماده لواط عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد، به اندازه‌ی ختنه گاه در دوبر انسان مذکر! در ادامه و راستای همین ماده، ماده‌ی

۲۳۴ قانون مجازات اسلامی نیز به بیان حد^۱ این جرم می پردازد. در واقع لواط از آن دسته جرم هایست که حد آن در شرع مقدس مشخص شده است. در قسمت اول این ماده بیان داشته که حد لواط برای فاعل در صورت وجود عنف، اکراه، یا دارا بودن شرایط احصان اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. در توضیح شرایط احصان باید گفت. (در صورتی که فرد دارای همسر دائمی بوده که عاقل و بالغ بوده و به او دسترسی داشته باشد. آن فرد دارای شرایط احصان است!) قسمت دوم این ماده نیز بیان داشته حد لواط برای مفعول در هر صورت اعدام است. (وجود یا عدم وجود احصان در مجازات مفعول هیچ تاثیری ندارد!) در تبصره های همین ماده نیز به بحث مسلمان و غیر مسلمان بودن فاعل و مفعول این جرم پرداخته است. که چنانچه فاعل غیر مسلمان مفعول مسلمان باشد حد فاعل اعدام است. پیش از این گفته بودیم که فاعل در صورت نداشتن شرایط عنف و اکراه و احصان تنها صد ضربه شلاق می خورد. در ادامه، تبصره ی دیگر همین ماده نیز به توضیح شرایط احصان پرداخته است. که چنانچه، که مرد، دارای همسر دائمی باشد و در حالیکه بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد. آن مرد دارای شرایط احصان است. همانطور که پیش از این توضیح دادیم در صورتی که فاعل این شرایط را داشته باشد حد وی اعدام است.

رابطه ی نامشروع کمتر از لواط

۱- تفخیز

در لواط " رابطه جنسی مرد با مرد" و رابطه ی نامشروع کمتر از آن نیز باید قائل به تفکیک شد. چنانچه رابطه کمتر از لواط باشد. به آن تفخیز می گوئیم! ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی، تفخیز را اینگونه تعریف کرده است قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران ها یا نشیمنگاه انسان مذکر. تبصره این ماده برای توضیح بیشتر و دقیق تری بیان داشته که دخول کمتر از ختنه گاه تفخیز است. مجازات تفخیز و لواط با یکدیگر متفاوت است. در این حالت تفخیز مجازات کمتری به نسبت لواط دارد. در صورتی که طرفین تفخیز کرده باشند یعنی رابطه نامشروع کمتر از لواط داشته باشند حد فاعل و مفعول تنها صد ضربه شلاق است. قانون گذار برای این جرم، فرقی بین محصن و غیر محصن عنف و غیر عنف، قائل نشده است. تبصره همین ماده نیز بیان داشته در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل اعدام است. به بیان دیگر در صورت غیر مسلمان بودن فاعل و مسلمان بودن مفعول در هر دو جرم "لواط و تفخیز" حد فاعل اعدام است.

^۱ حد مجازاتی است که موجب، نوع، و میزان، و کیفیت، اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده باشد. (ماده ی ۱۵ قانون مجازات اسلامی)

۲- همجنسگرایی

می توان در ادامه ی توضیح حقوقی این جرم، چنین گفت که در واقع علاوه بر جرم لواط و جرمِ تَفخیز، جرمِ دیگری نیز در همین راستا قابلِ پیش بینی است و قانونگذار در ماده ی ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی اینگونه به تعریفِ این جرم پرداخته است. همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تَفخیز از قبیلِ تقبیل و ملامسه، از روی شهوت، موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ هست. همانطور که در بالا اشاره شد. قانون گذار در جرم لواط بین مجازاتِ فاعل و مفعول این جرم، تفاوت قائل شده و در جرمِ لواط مجازاتِ مفعولِ این جرم را در هر صورت اعدام در نظر گرفته است. این در حالی است که فاعلِ این جرم، تنها در صورت داشتن شرایط احصان یا اکراه و عنف، اعدام، می شود. (یعنی در صورتی که جرم را به حالت عنف، و اکراه مفعول، انجام داده یا فاعل دارای شرایط احصان: همسر دائمی و.. باشد). فاعل اعدام می شود. لکن در جرمِ تَفخیز که درجه ی ضعیف تری از لواط دارد، فقط در صورتی که فاعل جرم غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل "اعدام" است. البته این مورد در جرم لواط نیز پیش بینی شده است. در غیراین صورت حد فاعل و مفعول مشابه یکدیگر است و هر دو تنها به صد ضربه شلاق محکوم می شوند. درمباحث بالاتر توضیح داده دادیم که ارتکابِ جرم لواط و تَفخیز چه تفاوت ها و مجازات هایی را در پی دارند.

چگونگی اثبات جرم :

در اینجا به توضیح به چگونگی اثبات این جرایم می پردازیم. جرمِ زنا، لواط، تَفخیز و مساحقه از جمله جرایمی هستند که تنها با اقرارِ فرد قابلِ اثبات هستند. این به این معنی است که فرد تا زمانی که در دادگاه صالح، و در نزد قاضی پرونده، اقرار نکرده باشد. نمی توان او را به این جرم محکوم کرد. تفاوت اثبات این جرایم با سایر جرایمی که با اقرار ثابت می شوند در تعداد اقرار است که گفته می شود. در کلیه ی جرایم یک بار اقرار کفایت لکن در جرم زنا، لواط، تَفخیز، و مساحقه حد نصابِ اقرار چهار مرتبه است. در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می تواند در یک یا چند جلسه انجام شود. (ماده ی ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی) ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی به توضیحی مختصری در باب اقرار پرداخته است. (اقرار عبارت است از، اخبارِ شخص، به ارتکاب جرم از جانب خود) به این معنی که فرد از جانب خود به ارتکاب جرم، واقف بوده باشد و این را صریحا و در صورتی که امکان بیان آن با لفظ ممکن نباشد مطابق ماده ی ۱۶۶ قانون مجازات اسلامی، با نوشتن و در صورت تعذر با فعل از قبیل اشاره بیان کند. به این معنی که در صورتی که فرد امکان بیان اقرار با لفظ را نداشته باشد با نوشتن و اگر امکان آن نبود با رفتاری که نشان دهنده ی مقصود او باشد قاضی متوجه ی اقرار خود کند. در هر صورت اقرار باید واضح و روشن باشد و در

صورتی معتبر شمرده می شود که فرد اقرار کننده، حین اقرار، عاقل و بالغ و قاصد و مختار بوده باشد. یعنی هیچ اکراهی در این بین نباشد. در این راستا ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی، بیان داشته است که اقراری که تحت اکراه و اجبار شکنجه و اذیت و آزار روحی جسمی گرفته شده باشد فاقد ارزش و اعتبار بوده و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد به عمل بیاورد.

شرایط توبه در جرم حدی لواط

قانونگذار در ماده ی ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی به شرح توبه در جرایم حدی من جمله جرم لواط پرداخته است . بر طبق این ماده هر گاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می شود . قانونگذار در ادامه ی این ماده بیان داشته است که حتی اگر جرم با اقرار هم ثابت شده باشد در صورت توبه ی مرتکب حتی پس از ارتکاب جرم ،دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه ی قضاییه از مقام رهبری در خواست کند . لکن در صورت عنف و اکراه یا اغفال بزه دیده باید تفکیک قائل شویم .در تبصره ی دوم همین ماده آمده است که در صورت وجود این شرایط و توبه ی مرتکب حد از او ساقط می شود و مجرم به حبس^۲ یا شلاق تعزیری درجه شش محکوم می شود .

منابع :

ماده ی ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۱۷۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۱۴، ۱۵، قانون مجازات اسلامی.

آیه ی ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره ی شعراء

^۲ مدت حبس تعزیری درجه شش بیش از شش ماه تا دو سال است .